

تعلیم و تربیت در اوایل جوانی

نگارش آقای عبدالرحمن فرامرزی

ایام جوانی ! این همان روزهایی است که شعراء آنرا بهار عمر نامیده و با بیانات مختلف و اشعار نغز و دلکش از آن یاد کرده و از گذشتن آن دریغ و افسوس خورده‌اند.

نه هست از زندگی خوشتر شماری نه از روز جوانی روزگاری

جوانی من از کودکی یاد دارم دریغ از جوانی دریغ از جوانی

افسانه سربازان هر شاهکاری دارند راجع باین ایام است و اغلب از بهلولان داستانهای ایشان جوان

بوده‌اند . نظامی در وصف خسرو میفرماید :

هنوزش کرد گل نارشته شمشاد وزان آزاد سوسن سروش آزاد

دیگری در وصف بهلولان داستان خود گوید :

هنوزش سبزه برگل نادیده قدش چون سرو نازی برکشیده

علمای معرفه النفس اوایل جوانی را طوفان دورۀ عمر می‌نامند . پیران آنرا زمان خامی و غرور و سبکسری میدانند . ولی هر چه می‌خواهند بگویند . نهضت ملل بواسطه جوانان انجام می‌گیرد . هر تجدید و تطوری بدست جوانان رخ می‌دهد . عزم آهنین ، آمل و آرزو که موجب آبادی گیتی است ، عشق بنام و ترس از ننگ ، خصایصی است که حکیم جهان آفرین برای حکمت و مصلحتی با سرشت جوانان آمیخته است . اگر جوانان تجربه و آزمونگی پیران را ندارند ولی همت و نشاط ، و چالاکی و عزم نافذ ایشان جبران آن نقص را میکند . چنانکه شهریار کشور سخن سعدی شیرازی رحمة الله علیه نیروی جوانان و تدبیر پیران را هم سنگ هم دانسته و میفرماید :

در آرد بنیاد روئین زبای جوانان بشمشیر و پیران برای

آیا آلمان و ایتالی و ترکیه امروز جز بهمت جوانان گرد ذلت را از تن خود افشاندند و در دنیا

گردن بر افراشته اند ؟

در اینکه برای اداره کردن يك کشور تجربه و تدبیر پیران لازم است جای سخن نیست . اما چون عزم نافذ و تصمیم فوری و عقیده راسخ در جوانان بیشتر یافت میشود ، اغلب نهضتها و تغییراتی که در دنیا رخ داده بوسیله جوانان بوده است .

زیرا پیران بعزت ای که سرد و گرم زیاد دیده و بسا اتفاق افتاده که راجع بیک قضیه عقیده کامل داشته و بعد بطلان آنرا فهمیده‌اند ، و با بشخصی اعتماد کلی نموده و بعد دیده‌اند که آن شخص شایستگی آن اعتماد را نداشته و با اقدامی کرده‌اند که بعد پشیمان شده‌اند لهذا بهر قضیه‌ای با نظر تردآمیز نگریسته و کمتر عقیده راسخی در یک قضیه پیدا میکنند ، و در اتخاذ يك تصمیم بیشتر فکر نموده و دیرتر با اجرای آن می‌پردازند ، این خصلت اگر چه بحقیقت نزدیکتر و از خطا و لغزش دورتر است ولی با روح حیات که مقتضی عزم نافذ و اقدام سریع و ایمان راسخ است و وفق چندانی ندارد .

بدین جهت اوایل جوانی مورد مطالعه مخصوص علمای روان شناسی و متخصصین فن تربیت واقع گردیده و مدارس متوسطه که عتفان شباب در آنجا به تحصیل می‌گذرد بیشتر مورد بحث و ردت قرار گرفته است . چون بسیاری از خاندانها از يك طرف قوه پرداختن مخارج تحصیل اولاد خود را ندارند و از طرف دیگر ، محتاج کار و دسترنج ایشان می‌باشند بجای اینکه ایشان را بمدرسه برند بکار و ادار میکنند لهذا بعضی از علمای فن تربیت را عقیده بر این است که باید مدارس متوسطه مثل مدارس ابتدائی اجباری و مجانی باشد زیرا

بموجب علم معرفه النفس بکار و داشتن اطفال قبل از اینکه رشد کامل یابند مضر است و باین جهت در قانون انگلیس برای استخدام اطفال سن معینی تعیین شده است .

در ابتدای جوانی که تفهیم ما آنرا «مراهقت» نامیده اند تغییرات جسمانی زیادی برای انسان رخ می دهد . مثلا چستی ایام طفلی را از دست می دهد ، صدای او تغییر میکند و چون قادر بر ضبط عضلات صوتی خود نیست در موقف سخن گفتن هلتفت هم نمی شود که بلند حرف می زند و بواسطه همین تغییرات جسمانی مراهق بیشتر در معرض خطر امراض قرار گرفته است .

بهمین نسبت که قوای بدنی يك بچه در اوایل جوانی تغییر میکند قوای فکری او نیز تغییر می یابد و بنابراین باید مدارس متوسطه طوری ترتیب داده شود که با نمو و تغییراتی که در این سن رخ میدهد متناسب باشد . در این سن ، بواسطه تغییریکه در قوای فکری بچه رخ می دهد روش حیاتی او تغییر میکند . دیگر از حالات و اعمال سابق خود خوشش نمی آید . بازیها و بازیچه های ایام طفلی را درست نمی دارد . زیرا از گونه بازیها و بازیچه ها مخصوص بچگان است و او اگر پسر باشد خود را مرد و اگر دختر باشد خوبتر را زن می داند . باین جهت دختران حتی الامکان از زنان و پسران از مردان تقلید میکنند . از دائره کوچک حیات سابق خود راضی نیست و میخواهد با محیط خارج آشنا گردد . دلش می خواهد همه چیز بداند و حسن کجکاری در وی زیاد می شود . راجع بهمه چیز پرسش میکند . هر کتاب یا مجله ای بدستش می افتد می خواند ، باین جهت دائره معلومات او وسعت می یابد . ولی گاهی همین غریزه او را وارد جاده های ناپسند و خطرناکی میکند . عادت به بسیاری از کارهای زشت از قبیل شرابخورگی و استعمال افیون و دخانیات و کار های ناپسند دیگر در همین سن شروع می شود و حتی بعضی از علمای روان شناسی می گویند انسان در سن مراهقت از بعضی کارهای زشت از قبیل دزدی و دروغ لذت می برد و باین جهت است که بموجب احصائیه ای که در امریکا بعمل آمده بیشتر دزدیها بواسطه اشخاصی رخ می دهد که تازه با بسن بلوغ گذاشته اند . تمام اینها نتیجه تغییراتی است که در قوای فکری ایشان رخ میدهد و چیزیکه می تواند از آن جلوگیری کند تربیت صحیح است .

پس باید مواظب بود که در محیط سالمی زندگی کرده و با مردم نیک رفتار دستی معاشرت کنند در خانه آسوده خاطر و آزاد باشند . کتب مفید و خالی از ضررهای اخلاقی برای مطالعه ایشان انتخاب شود . و مخصوصا باید غریزه ایشان را در میل بکتاب ادبی و شمری تقویت کرد تا خشک و بیروح با نیاید .

در ابتدای جوانی انسان میل دارد که مردم او را بشناسند و بدانند که او انسان کامل بلکه عنصر برجسته ایست . میگوید که باین صفت خود را ب مردم معرفی کند . برای اینکه نیرو و شجاعت خود را ب مردم نشان دهد کمترین فرصتی را منتظم می شمارد « جوان است و جوانی نام آمده است » . میل دارد تمام علوم را بداند و بمطالعه کتب تاریخ و سرگذشت بزرگان عشق پیدا میکند . در علم النفس این حالت به « طرفان فکری » معروف است زیرا تمام کیفیات سابق را سرنگون میکند .

در این دوره حواس پنجگانه قوت می گیرد و قوای خیالی جدیدی در جوانان پیدا می شود که مهتر از همه عشق بطبیعت و میل کشف اسرار آن و تحقیق در اصل دیانت است . با این واسطه تردد در راه مذهب و ضعف عقیده دینی در این سن زیاد می شود .

اما در مقابل تعصب برای حزب یا وطن یا شخصیکه طرفدار او هستند قوت می گیرد و دوست دارند که وارد اجتماع شده و در سیاست دخالت کنند و چون عشق بجمال و زیبایی پیدا میکنند اغلب در این سن بگفتن شمر یا نوشتن مقاله های ادبی و سیاسی و آموختن نقاشی و موسیقی می پردازند و بواسطه همینکه انسان در این سن میل با اجتماع و پیدایش در جامعه پیدا میکند این سن بهترین وقتی است برای اینکه او را مطابق مصلحت جامعه تربیت کرده و قوای که در وی جمع گردیده به صرف مصالح وطن و خاندان و دوستان رسانیده شود .

تدریس در مدارس متوسطه

هر فردی باید فن یا پیشه‌ای بیاموزد که بتواند بوسیله آن تحصیل روزی خود نماید ولی مقصود از تربیت تنها کسب روزی نیست بلکه تربیت برای این است که انسان را برای حیات سعادت آمیزی مهیا کند و نظر باید که هیچ کس نمی‌تواند به تنهایی دور از اجتماع زندگی کند، و چنانکه گفتیم عاطفه محبت دیگران و میل با اجتماع نیز در سن مراقبت پیدا می‌شود باید از این فرصت استفاده کرد و جوانان را طوری بار آورد که اجتماعی گشته و سعادت خود را در سعادت جامعه بدانند و چیزیکه می‌تواند باین مقصود یاری کند همانا مدارس متوسطه است.

پس باید مدارس متوسطه مطابق احتیاج محصلین ترتیب داده شود و آنچه در خارج مدرسه بدان احتیاج دارند و از برای تقویت قوای بدنی و فکری ایشان مفید است فراهم کرده شود.

تربیت اجتماعی را در این مدارس نباید فراموش کرد زیرا چنانکه گفته شد بچه در این سن میل برود در اجتماع دارد و مدرسه باید نمونه‌ای از محیط خارج باشد که جوانان بعد از اتمام تحصیلات خود بدان وارد می‌شوند. جوان میل دارد در یک جمعیت عضو و باریک مسئولیت بگردن داشته باشد و همین میل سبب می‌شود که بعضی نفس و خویشتن داری عادت کرده و برای حیات و مسئولیت های آتیۀ زندگانی مهیا گردد. پس پیشاهنگی و کارب‌های ورزشی و جمعیت‌های علمی و ادبی از برای محصلین بسیار مفید بلکه لازم است.

در مدارس متوسطه چه چیز باید تدریس شود؟

چنانکه گفته شد مواد دروس باید مطابق احتیاج و میل و حیات آتیۀ جوانان باشد و بنحوی تهیه شود که ایشان را برای تحمل مسئولیت های آینده که نسبت به نوع و وطن و خاندان های خود دارند مهیا و آماده سازد.

اما پروگرام هایی که انباشته شده است از مواد مختلفه جز اینکه جوانان را دچار سوء هاضمه فکری نموده و توهۀ آزادی نکرده از ایشان سبب کند هیچ فائده ندارد و باین واسطه بسیاری از علمای جدید فن تربیت را عقیده بر این است که در مدارس متوسطه فقط باید ورزشهای بدنی، و بعضی از کارهای دستی و زبان و تاریخ طبیعی و جغرافی و حساب باشد و اما جبر و هندسه و بالاخره ریاضیات فقط باید بعنوان یک درس اختیاری موجود باشد که اگر محصلین میل کردند آن را بخوانند و سوله داشته باشند و اما جزو پروگرام و اجباری نباید باشد.

طرز تدریس نیز باید متناسب با احتیاج ایشان باشد. در این سن نشاط و احساسات بجه زیاد میشود. دارای استقلال فکر میگردد، و میل با اجتماع جای خود خواهی ایام طفلی او را میگیرد.

پس باید باو فرصت عمل داد و او را واداشت که کاری را بدون مساعدت معلم انجام دهد و در انتخاب یک پیشۀ دستی او را آزاد گذاشت. باید برای سرودن شعر و نوشتن مقالات ادبی آزادی، انتقادشماره مطالعه چیزهاییکه میل دارد باو فرصت داد و او را تشویق کرد که در قسمتهائی شخصا تجربه کند.

اطفال در این سن از گردش در هر ای آزادی لذت میبرند و مخاطره و مسافرت را دوست میدارند. پس باید بایشان مجال داده شود که دسته دسته بعضی از نقاط تاریخی مسافرت نمایند و چون میل با اجتماع دارند جمعیتها و کلوبهایی که اکنون در مدارس ما موجود گشته بسیار مفید است ولی باید بایشان اختیار داده شود که تا یک اندازه خود آنها را اداره کرده و احساس مسئولیت بنمایند.

خلاصه بهترین مدرسه اگر ممکن باشد آن است که برای کسی که میل بر عزت دارد مزروع و بر ای آنکه صنعت دوست میدارد کارخانه و برای کسی که مایل بمطالعه و تالیف باشد کتابخانه باشد.